

عرش ارشیا

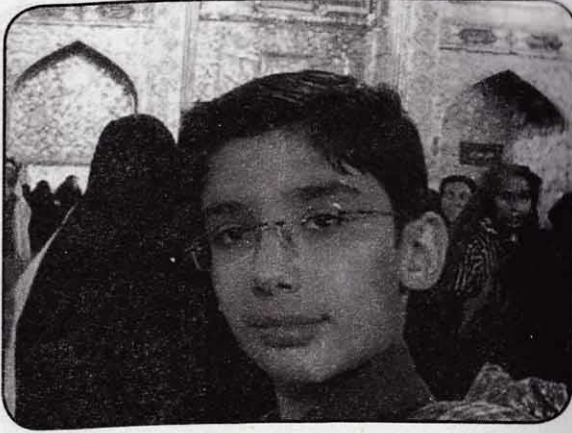
مورزی بر خاطرات و زندگینامه خادم الحسین
زنده یاد کزبلائی ارشمیا (رضا) صداحی





عرش اوشیا

مروزی پر خاطرات و زندگی نامہ خادم الحسنین
زندہ یاد کرنلایسی اوشیا (رضیا) صداحی



بزرگ مرد کوچک

کتاب عرش ارشیا مروری بر خاطرات و زندگینامه خادم الحسین زنده یاد کربلایی ارشیا (رضا) مداحی است. ارشیا نوجوان شانزده ساله ای بود که در چهاردهم دی ماه ۱۳۸۳ چشم به جهان گشود و در سوم بهمن ماه ۱۳۹۹ عاشقانه به سوی معبود پر کشید و به "عرشی ها" پیوست.

او که ساکن شهر خمین بود در مدت کوتاه عمر پربرکتش معنای حقیقی خودسازی، عشق به معبود، سربازی امام زمان، خادم الحسین و خادم القرآن بودن را به نمایش گذاشت.

ارشیا، شیرهی جانس سرشار از عشق امام رضا الا و نماد محبتش، پرچم امام حسین الا بود... از سیزده سالگی مهمترین آرزویش این بود که جزو ۳۱۳ یار امام زمان باشد. نزد امام خودش جایگاهی داشته باشد. به امامش قول داده بود که باعث شرمندگی ایشان نشود. به حضرت زهرا قول داده بود که از همه نظر، باعث خوشحالی آن مادر و الامقام شود بنابراین تلاش کرد علاوه بر اینکه از نظر اخلاق و رفتار الگوی نوجوانان ها باشد. از جنبه های مختلف علمی ورزشی و هنری نیز سرآمد شود.

کتاب عرش ارشیا به معرفی مختصر و کوتاهی از این نوجوان خدایی و برجسته می پردازد. این کتاب بیان شخصیت و خصوصیات این نوجوان والا می باشد. کتاب عرش ارشیا بیان برخی خاطرات و شرح حال این نوجوان است که نظم و انضباط و پشتکار را به همراه اخلاص، توکل بر خدا، توسل به ائمه ی اطهار و ولایت مداری، را در زندگی خود نهاده کرده است. [دیگر کتاب های دفاع مقدس...](#)



بخشی از کتاب عرش ارشیا

احترام به والدین

همیشه در منزل با احترام رفتار میکرد. هیچ وقت صدایش را جلوی بزرگتر بلند نمی کرد. هرگز هیچ کلام تند یا سخنی که دلخوری یا ناراحتی در کسی ایجاد کند به زبان نمی آورد. نزدیک مدرسه ی ارشیا میدانی به نام «شهید ادواردو آنیلی» قرار داشت. کتاب ادواردو را خوانده بود. به عنوان یکی از شهدای غریب شیعه از او یاد می کرد. روزهایی که او را به مدرسه می رساندم. از من می خواست که اول به آن میدان برویم بعد به مدرسه برود!

وقتی هم به مدرسه می رسیدیم از ماشین پیاده میشد و خداحافظی می کردیم. من منتظر میشدم تا وارد حیاط مدرسه شود و با عشق، به قد و بالای پسر نگاه میکردم. نزدیک در مدرسه که میرسید بر می گشت و برای نشان دادن احترام به من، دستش را روی سینه، می گذاشت بعد وارد حیاط می شد.

پر تلاش و با اراده

در یک سال آخر به شدت علاقمند به خطاطی شد. تمام تلاش خود را کرد که خطش زیبا شود. او چنان جدیتی در تمرین خطاطی داشت که اغلب تا نیمه های شب و یا حتی نزدیک اذان صبح بیدار بود و اشعار حافظ و سعدی یا عبارات و دل نوشته هایی مرتبط با اهل بیت اسلام را خطاطی و تمرین می کرد. تا به بهترین شکل نوشته ی خود را به استادش تحویل دهد. پشتکار ارشیا نتیجه داد. خط او در این مدت بسیار زیبا شده بود. به گونه ای که موفق به کسب مقام در خط تحریری شد.

در درس، شنا، کاراته و حفظ قرآن هم به حدی پیش رفت که در همه ی آنها مقام آورد. چندین مدال و لوح تقدیر در زمینه های مختلف کسب کرده بود. ارشیا با رفتن خود برای همه ما پنجره ای باز کرد به واقعیت هایی که فراموشمان شده بود. ما را تا همیشه مدیون ایثارگری خود کرد. به قول فرمایش حضرت آقا به دنبال راحتی نباشید و هر جا دیدید سختی وجود دارد خودتان را به سختی بزنید.

سختی عبادت، سختی درس خواندن... و ارشیا با این سختی ها خودسازی کرد و به عرش رسید. حتی در زمینه شغل آینده هم از همان پرتلاش بودن می گفت قصد دارم معلم شوم و در روستاهای دور افتاده تدریس کنم. او در مجموع به فعالیت های اجتماعی خیلی علاقه داشت و در ایام تابستان که مدارس تعطیل بود از همان اول صبح به مسجد و کانون میرفت و بیشتر روز را مشغول فعالیت های اجتماعی و فرهنگی بود.

فهرست کتاب عرش ارشیا

- وظیفه
- مظلوم گمنام
- سلام بر ابراهیم
- اقامه ی نماز
- [شهید ابراهیم هادی](#)
- احترام به والدین
- نماز قضا
- ورزش و بازی
- پر تلاش و با اراده
- بزرگ مرد کوچک

- بخشندگی
- ساده و صمیمی
- منتظر
- یار امام
- شکرگزار
- بی ریا و مخلص
- عشق به شهدا
- انس با قرآن
- و...
- ادامه دارد

کتاب عرش ارشیا را به همراه تخفیف ویژه ی انتشارات آثاربرات خریداری کنید.